

□ گریه شادی بخش □ آیا لباس روحانیت مقدس است؟ □ تحریف ماهرانه □ اطلاعات به درد بخور □ خود خدا □ حقوق بشر کجاست؟ □ دوروی سکه غیرت □ #رفراندم #براندازی؟ □ قیام عاشورا، حرکتی الهی یا دموکراتیک؟

گریه شادی بخش

شبهه روز



تلاش های جوامع برای معرفی الگوها، نشان دهنده اهمیت این مسئله است؛ زیرا انسان ها در سال های اول زندگی، از پدر و مادر خود، الگو می گیرند؛ اما در دوران های بعد، از شخصیت های برجسته مذهبی، سیاسی و اجتماعی، الگوگیری می کنند؛ بنابراین، بر خلاف ادعای کسانی که حضور در مجالس عزای اهل بیت را باعث افسردگی می دانند، باید گفت عزاداران عزای اهل بیت، با تأسی به آنان و الگوپذیری از آنان، می آموزند که چگونه با وجود برخی مشکلات و سختی های زندگی، می توان با آرامش زیست و دچار تنش های روحی و عصبی نگردید. علاوه بر آن، این الگوگیری، نه تنها باعث افسردگی نمی شود، بلکه باعث نشاط نیز می گردد؛ چون بهترین الگو در روابط اجتماعی، الگوی اصلاح گرایانه است که به معنای به کارگیری روش های مختلف در شرایط متفاوت زمانی و مکانی است و ائمه اطهار علیهم السلام به دلیل اصلاح گری مورد رضایت خداوند، در شرایط زمانی و مکانی مختلف، از روش های مختلف رفتاری، استفاده کرده اند.

بنابراین، عزاداری به عنوان رفتاری معنوی و روحانی، رفتاری سالم محسوب می شود که از انسان سالم صادر می شود و آثار و پیامدهای خوشایند فردی، اجتماعی، اخلاقی، معنوی، دنیوی و اخروی، با خود به همراه دارد.

سالم شرکت کننده در این پژوهش و همچنین عموم آزمودنی های، پس از شرکت در مراسم عزاداری، به سمت افسردگی، پیش نرفته اند؛ اما آزمودنی های افسرده، پس از شرکت در مراسم عزاداری، به سمت بهبود، پیش رفته اند.

بهبود عملکرد

شرکت در مراسم ها و اقامه مجلس عزای اهل بیت، نه تنها افت کارکرد را به دنبال ندارد، بلکه با توجه به شکل و محتوای این مجالس، افزایش کارکرد را به همراه خواهد داشت. از آنجاکه در این مجالس، غالباً مباحث علمی و معرفتی بیان می شود، حضور در این مجالس، رشد شناختی افراد را در پی دارد و علاوه بر آن، گستره ارتباط افراد را بیشتر کرده، افراد را در روابط

اجتماعی خود، رشد یافته تر خواهد کرد. از سوی دیگر، بُعد عاطفی و تراژیک مجالس عزای اهل بیت، به گونه ای است که مسئولیت پذیری و اهتمام نسبت به دیگران و مسائل آنان را افزایش داده، فرد را برای پذیرش مسئولیت ها، آماده می کند؛ علاوه بر آنکه او می آموزد چگونه در مواجهه با مسائل و مصائب زندگی - که بخشی اجتناب ناپذیر در زندگی هر فرد است - برخورد کرده، مشکلات خود را مدیریت کند.

الگوگیری

توجه به نقش «الگو» در نظام های تربیتی و

امپراتوری گسترده رسانه های معاند دین - که متأسفانه تلاش زیادی برای حکومت بر اندیشه ها نیز دارد - مصرّ است که بگوید گریه و غم در عزای اهل بیت علیهم السلام، نشانه و باعث افسردگی است؛ حال آن که دلایل زیادی برای رد این ادعا وجود دارد.

یافته های علم روانشناسی

نتایج پژوهش های مختلف، نشان می دهد که بر اساس ملاک های روانشناختی، برگزاری مراسم عزاداری و گریه، نه تنها نشان از ناهنجاری و یا اختلال افسردگی نیست، بلکه این گونه مراسم ها، باعث شادی، نشاط و آرامش نیز می شوند. گزارش پژوهشی که با عنوان «تأثیر شرکت در عزاداری های محرم بر وضعیت خلقی (درجه افسردگی)» صورت گرفته، بدین قرار است:

این پژوهش، به بررسی تأثیر شرکت در مراسم سوگواری مذهبی دهه اول ماه محرم، بر سطح افسردگی شرکت کنندگان پرداخته است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، نسخه دوم پرسش نامه افسردگی بک (بک، استیر، و براون، ۲۰۰۰) بود. طرح پژوهش، از نوع پیش-آزمایشی میدانی، با پیش آزمون و پس آزمون بدون گروه گواه است.

نتایج آزمون T گروه های وابسته، بیانگر تفاوت معنی دار بین نمره افسردگی در پیش آزمون و پس آزمون نبود. در ضمن، شرکت در مراسم عزاداری محرم، با کاهش معنی دار نمره افسردگی (بر اساس آزمون افسردگی بک) در پس آزمون آزمودنی های افسرده (بالاتر از نقطه برش در پیش آزمون) همراه بوده است؛ در حالی که در آزمودنی های غیرافسرده (پایین تر از نقطه برش در پیش آزمون)، تفاوت معنی داری میان پیش آزمون و پس آزمون مشاهده نشد. نتیجه گیری محقق، آن است که آزمودنی های

آیا لباس روحانیت مقدس است؟

شبهه پژوهی

شبهه:

۱. درست است که پیامبر، حضرت علی و دیگر یاران پیامبر، عمامه یا دستار بر سر داشتند، اما ابولهب، ابوسفیان، ابن ملجم، عمر سعد، شمر، یزید و خولی نیز عمامه بر سر داشتند! این، یعنی عمامه، لباس رایج آن زمان بوده (العمامه تیجان العرب) که مؤمن و مشرک و منافق و مکی و مدنی، همه استفاده می کردند. بنابراین، عمامه، لباس دین و تبلیغ نبوده و پیامبر، پوشیدن آن را ابداع

نکرده؛ بلکه پوششی مربوط به عرف و رسم و رسوم آن زمان بوده است.

۲. لباس روحانیان، لباس شهرت، موجب انگشت نما شدن و تمایز میان آنان با مردم است. در حدیث آمده که بهترین لباس اهل هر زمان، لباس اهل آن زمان است؛ در حالی که لباس روحانیان، متعلق به اهل زمان ها و مکان های بسیار دور است و در این زمان و در کشور ما، میان مردم رواج ندارد.

پاسخ

۱. وقتی گفته می شود لباس روحانیان، لباس پیامبر و امامان است، مقصود، صرف پوشیدن عمامه، قبا و عبا نیست؛ بلکه منظور، جایگاه و کارویژه پیامبر و امامان است که از گذشته تاکنون، این لباس خاص، نماد و نشانی از آن جایگاه به شمار می رود؛ وگرنه هرکسی می تواند این

لباس را از بازار، تهیه و بر تن کند.

۲. نشانه و نماد شدن یک لباس برای یک جایگاه یا شغل یا کارویژه اجتماعی، به اعتباری است که جامعه برای آن لباس، در نظر می گیرد و امر ذاتی و واقعی نیست. به عنوان مثال، امروزه لباس پزشکان در محیط حرفه ای، روپوش سفیدرنگ است و جامعه، این لباس را به عنوان نماد پزشکان، در نظر گرفته، برای آن به عنوان نمادی از کارویژه این گروه اجتماعی، ارزش و احترام قائل است؛ در حالی که می دانیم همواره در کنار پزشکان درست کار و خدمت گزار به مردم، پزشکان متقلب، سودجو یا حتی جنایتکارانی که صرفاً لباس پزشکان را به تن کرده اند، فراوان بوده اند و خواهند بود.

۳. مقصود از لباس شهرت، هر نوع نشانه ای است که موجب توجه غیرعادی و احیاناً مسخره و انگشت نما شدن فرد، توسط جامعه شود؛ مثل پوشیدن لباس زنانه توسط مردان یا عکس آن، پوشیدن لباس زننده و جلف توسط بانوان، پوشیدن لباس خواب در مجالس رسمی و مهمانی ها و... است. از این رو، لباس روحانیت، لباس پزشکان، لباس نیروهای نظامی و انتظامی و... لباس شهرت محسوب نمی شود.

۴. تمایزگذاری در میان اصناف و اقشار مردم به وسیله لباس یا نشانه های دیگر، به طور مطلق، نکوهیده و ممنوع نیست. اساساً تمایزگذاری به وسیله پوشش، یکی از کم هزینه ترین روش ها برای دسترسی آسان مردم به خدمات مورد نظرشان بوده و کاری عقلایی است. آری، تمایزگذاری به وسیله پوشش های نامتعارف و ناشناخته و لباس های گران قیمت و یا مجبور ساختن بخشی از مردم به پوشیدن لباسی خاص (مثل کلاه پهلوی یا بی حجابی اجباری)، نکوهیده و غیراخلاقی است.

۵. در حدیث امام صادق علیه السلام، مقصود از «لباس اهل هر زمان»، لباس های متعارف و شناخته شده است؛ نه یک لباس خاص یا لباس اکثریت جامعه. مثلاً در صدر اسلام، سبک پوشش بسیاری از مردم، بستن لنگ به کمر و انداختن حوله بر دوش یا اکتفا به لنگ بوده است؛ چنان که امام علی علیه السلام در توصیف لباس خود می فرماید: «امام شما در پوشش، به دو تکه پارچه اکتفا کرده است». بر اساس حدیث امام صادق علیه السلام، چون این گونه لباس پوشیدن، امروزه در میان مردم ایران، متعارف و شناخته شده نیست، لباس مناسبی برای پوشیدن نیست و این سخن، ربطی به لباس روحانیان ندارد.

احمد رضا درشتی



رفع شبهه

دوروی سکه غیرت

در نگاه اسلامی، ما یک وظیفه نسبت به خودمان، اطرافیانمان و جامعه داریم و آن، زیست عقیقانه است. یعنی من موظفم زیست عقیقانه داشته باشم و خداوند از من به عنوان یک مسلمان، توقع دارد که عفت و خویشتن‌داری جنسی، در وجود من، کاملاً محقق شود و تلاش کنم عفاف را در محیط پیرامونی خود، افزایش بدهم.

شاید یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که به مسئله عفت ربط دارد، مسئله غیرت است. بر خلاف تصور بسیاری از افراد که مسئله عفاف و خویشتن‌داری را فقط به مسئله حجاب مرتبط می‌کنند، مفاهیم متعددی، در ارتباط با مفهوم عفاف وجود دارد که مهم‌ترین آنها، مسئله غیرت است. البته حجاب، قدبلندترین نماد عفاف است؛ یعنی واضح‌ترین چیزی که از روی آن می‌توانید به عفاف افراد پی ببرید، حجاب است؛ اما حجاب، تنها نماد عفاف نیست؛ همان گونه که تنها عامل عفاف هم نیست. عفاف، دو خاستگاه در مرد و زن دارد؛ یعنی یک ظرفیتی در مرد هست که برای تقویت عفاف، می‌شود از آن استفاده کرد و یک ظرفیتی در زن هست که اگر آن

ظرفیت تقویت شود، مسئله عفاف در آن زن، تقویت می‌شود.

عفاف در مرد، غیرت پایه و در زن، حیای پایه است؛ یعنی اگر قرار باشد مسئله عفاف را در مرد تقویت کنیم، باید از منظر غیرت وارد شویم و اگر بخواهیم در حوزه عفاف زن ورود کنیم، نقطه کلیدی، روزنه ورود به بحث و ظرفیت موجود در فطرت او، مسئله حیاست. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «عفت یک مرد، به اندازه غیرت اوست». یعنی به میزانی که یک مرد، نسبت به ناموسش، احساس مسئولیت و وظیفه دارد و دوست ندارد کسی به ناموسش تعرض کند، او هم به دیگران تعرض نمی‌کند. چون یک حسی نسبت به ناموس خودش دارد، به خودش هم اجازه نمی‌دهد به ناموس کسی نزدیک شود و تعرض کند.

مسئله غیرت، یک مسئله سازنده در وجود مرد است. برخی مردها، نسبت به ناموس و اطرافیان خود، حساس هستند؛ اما نسبت به ناموس دیگران، حساسیتی ندارند. در نگاه اسلامی، احساس چنین فردی نسبت به ناموس خودش و اطرافیانش، غیرت نیست. شاید تعصب و یا اقتدار مردانه باشد؛ اما غیرت نیست.

چرا غیرت در مردها مهم است؟ چون مردها، شغل و امکانات اقتصادی دارند و در فضای اجتماعی، در موقعیت‌های برتر قرار می‌گیرند. از طرفی هم به سرعت تحریک می‌شوند و آسیب‌پذیر هستند؛ یعنی بانگشاه کردن به زنی که وضعیت آرایش و پوشش مناسبی نداشته باشد، تحریک می‌شوند.

یعنی از یک طرف، امکانات دارد و از طرف دیگر، زود هم تحریک می‌شود. پس چطور او را کنترل کنیم؟ چه چیزی مرد را کنترل می‌کند که فحشا و بی‌بندوباری جنسی نکند؟ یکی از قوی‌ترین موضوعات و توانمندترین

اهرم‌های خویشتن‌داری و خودکنترلی مرد، غیرت اوست. اگر شما احساس مسئولیت یک مرد را نسبت به خواهر یا مادرش افزایش دهید، می‌توانید بگویید آن دختر در خیابان

هم ناموس توست؛ سرش کلاه نگذار؛ از او سوءاستفاده نکن؛ یعنی وقتی شما غیرت یک مرد را رشد می‌دهید، می‌توانید از او عفت را انتظار داشته باشید.

اینکه غیرت، باعث خودکنترلی

مرد می‌شود، یک روی

سکه است و روی دیگر این

سکه، دیگرکنترلی

است. غیرت،

یعنی احساس

مسئولیت

مهربانانه مرد در

قبال ناموسش؛

یعنی غیرزدایی.

برای چه می‌گویند

غیرت؟ زیرا

می‌خواهند غیر

را از او دور کنند.

پس غیرت، از

یک طرف، باعث

خودکنترلی مرد

می‌شود؛ ولی لایه

دوم و روی دیگر این سکه،

مراقبت کردن از ناموس، به

شیوه‌ای مهربانانه است.

اینکه غیرت، باعث خودکنترلی مرد می‌شود، یک روی سکه است و روی دیگر این سکه، دیگرکنترلی است. غیرت، یعنی احساس مسئولیت مهربانانه مرد در قبال ناموسش؛ یعنی غیرزدایی. برای چه می‌گویند غیرت؟ زیرا می‌خواهند غیر را از او دور کنند. پس غیرت، از یک طرف، باعث خودکنترلی مرد می‌شود؛ ولی لایه دوم و روی دیگر این سکه، مراقبت کردن از ناموس، به شیوه‌ای مهربانانه است



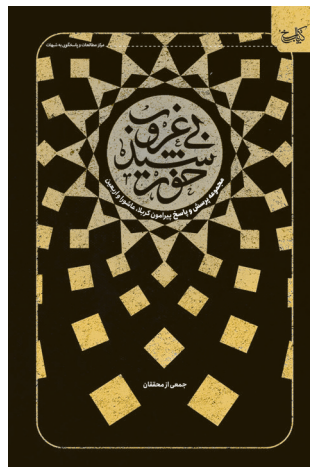
معرفی کتاب تحریف ماهرانه

کتاب «خورشید بی غروب»، حاصل زحمات و پژوهش‌های جمعی از محققان گروه تاریخ مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه) است که در سال ۱۴۰۱ در ۱۲ فصل و ۴۰۶ صفحه، به چاپ رسیده است. این اثر، مشتمل بر ۹۵ پرسش و پاسخ درباره کربلا، عاشورا و اربعین حسینی علیه السلام است که منبع خوبی برای مطالعه طلاب و دانشجویان جوان درباره محرم و امام حسین علیه السلام در ادامه، بخشی از کتاب را می‌خوانیم.

پرسش: آیا احادیث معصومین مبنی بر اینکه اگر کسی، قطره‌ای اشک برای امام حسین علیه السلام بریزد، بهشت بر او واجب می‌شود، باعث نمی‌شود که افراد، بیشتر به گناه متمایل شوند؟

در باب گریه بر امام حسین علیه السلام و عزاداری برای ایشان، روایات متعددی وارد شده است. از جمله اینکه شیخ صدوق از ریان بن شیبیب نقل می‌کند که امام رضا علیه السلام فرمود: «ای پسر شیبیب! اگر برای چیزی گریه کنی، پس برای حسین بن علی علیه السلام گریه کن که او را مانند گوسفند، ذبح کردند... ای پسر شیبیب! اگر بر حسین علیه السلام گریه کنی تا آب دیده بر روی تو جاری شود، حق تعالی جمیع گناهان صغیره و کبیره تو را بیامرزد؛ خواه اندک باشد و خواه بسیار. ای پسر شیبیب! اگر می‌خواهی در غرفه‌های عالی بهشت، ساکن شوی و با رسول خدا و ائمه طاهرین هم نشین شوی، پس لعنت کن قاتلان حسین علیه السلام را.»

در مقابل این روایات، روایات متعددی هم وارد شده مبنی بر اینکه کسی که یکی از واجبات الهی را ترک کند، کافر است. به طور مثال، داوود بن کثیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا سنت‌های رسول خدا، همانند فرائض خدای عزوجل می‌باشد؟ حضرت فرمود: «به درستی که خدای عزوجل، فرائضی مقرر نموده که بر بندگان لازمند؛ پس هر کس فریضه‌ای را ترک کند و منکر آن شود، کافر است؛ ولی کارهایی را که رسول خدا فرمان داده، خوب است و کسی که آنها را ترک کند، کافر نیست و تنها فضیلتی را از دست داده است.»^۲



در نتیجه، شیعه واقعی، کسی است که به تمام فرائض الهی عمل کرده، تمام نواهی الهی را ترک کند. شیعه به معنای «پیشوا و پیرو» و امام به معنای «پیشوا و مقتدا» است؛ لذا زمانی ما در شمار شیعیان امام حسین علیه السلام قرار می‌گیریم که در عمل، پیرو مکتب او و دیگر ائمه طاهرین باشیم.

قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند، تنها عمل را از متقین می‌پذیرد» (مائده، آیه ۲۷)؛ بنابراین، اصلاً عزاداری و گریه شخص بی تقوا و گناه‌کار، پذیرفته نیست تا آثاری که در روایات آمده بود، بر آن مترتب باشد.

حال ممکن است این سوال مطرح شود که اگر ثواب‌هایی که در روایات، برای عزاداری بر امام حسین علیه السلام وارد شده، مختص به افراد باتقوا باشد، پس چرا در روایات، از آمرزش گناهان بسیار آنها صحبت شده است؟

در جواب باید گفت: روایاتی که فرموده‌اند «بهشت بر او واجب می‌شود»، قطعاً مختص به باتقویان است که اگر کاستی در عبادات و بندگی داشته باشند، با شفاعت اهل بیت، جبران شده، در آسایش و راحتی خواهند بود؛ اما درباره روایاتی که از بخشش گناهان بزرگ صحبت کرده، باید گفت: انسان، معصوم نیست و دارای گناه است؛ لذا قبل از اینکه به تقوا دست یابد، ممکن است از وی گناهی سر بزند و بخواهد توبه کرده، مسیر خود را عوض کند و در این کار، از امام حسین علیه السلام یاری بگیرد و شفاعت بطلبد؛ لذا بخشش گناهان

بزرگ، بدین امر اختصاص می‌یابد؛ خداوند، بدون توبه و پشیمانی از گناه و قصد بازگشت، گناهی را نمی‌بخشد.

شهید مرتضی مطهری، در بحثی درباره تحریف فرهنگ عاشورا، می‌گوید:

«یکی از تحریف‌های معنوی بسیار ماهرانه صورت گرفته در رابطه با کربلا، این است که حسین بن علی علیه السلام، قیام کرد که کشته شود و کفاره گناهان امت باشد؛ کشته شد برای این که گناهان ما آمرزیده شود! این تفکر، از دنیای مسیحیت گرفته شد؛ زیرا آنان بر این باورند که حضرت مسیح، به صلیب کشیده شد تا «فادی» فدا شده» باشد و لقب او را نیز «الفادی» گذاشته‌اند... این حرف که «حسین علیه السلام، کفاره گناهان است»، تهمت به ابا عبد الله است و با روح اسلام، سازگاری ندارد و اگر کسی در ماه رمضان، این را بگوید، روزه او باطل است. ابا عبد الله برای مبارزه با گناه قیام کرد؛ نه اینکه قیام کرد تا سنگری برای گنهکاران باشد؛ یعنی حسین علیه السلام شرکت بیمه تأسیس کرده باشد؛ آن هم بیمه گناه! شما بر من اشک بریزید؛ من نیز گناهان شما را جبران می‌کنم؛ حال هر چه می‌خواهید باشید؛ این زیاد باشید یا عمر سعد. در این صورت، امام حسین علیه السلام، خواسته ابن زیاد و عمر سعد و امثال آنها در دنیا زیاد شوند. حضرت خودش فریاد کشید که انگیزه من از قیام، امر به معروف و نهی از منکر است. قیام کردم تا دین خدا را زنده کنم؛ برای اینکه با مفاسد مبارزه کنم.»^۳

پی‌نوشت:

۱. شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ج ۱، ص ۱۹۷.
۲. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۳۹۴.
۳. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۰۳ تا ۱۰۴.

اطلاعات به درد بخور

مدرسه شبیه پژوهی

زنگوله را به دور گردن گربه ببندازند و موشی موفق به این کار شد که زنگوله را به شکل یک کادو، به گربه داد. دقیقاً مثل کاری که شرکت‌های سازنده موبایل کردند و خدماتی به ما ارائه دادند و به آرامی و گام به گام، زندگی ما را به این خدمات، گره زدند؛ در حالی که در پشت صحنه، اتفاقات دیگری در حال وقوع است.

ایمن و محترم بودن حریم خصوصی، دو باور مطرح و نادرست در باره فضای مجازی هستند که زیست مجازی ما را تحت تاثیر قرار می‌دهند. شاید اگر این حقیقت را می‌دانستیم در رفتارها، ارتباطات و معاملات خود در زیستگاه مجازی تجدید نظر می‌کردیم.

راهکار امنیتی چیست؟

این مسئله، نیازمند اصلاح حکومتی و محدود کردن این دسترسی‌ها و تعریف سطوح دسترسی برای شرکت‌های مختلف است تا بتوانند در کشور ما، بدون رعایت این قوانین، فعالیت کنند. کارکرد قانون صیانت از کاربران در فضای مجازی - اگر اجرا می‌شد - همین بود. پشت صحنه اعتراضات به این قانون نیز همین شرکت‌های فناوری بودند که منافعشان در داشتن همین دسترسی‌ها بود.

این مسئله، باید به صورت حاکمیتی حل شود و شبکه ملی اطلاعات، راه‌اندازی شود و ما تا حد امکان، از سرویس‌های خارجی که جایگزین ایرانی دارند، استفاده نکنیم.

یا نه؟ فردمحور هستیم یا نه؟ مدیران فضای مجازی، می‌دانند ما در اینترنت، دنبال چه می‌گردیم؛ به چه موضوعاتی علاقه‌مندیم؛ در شبکه‌های اجتماعی، با چه کسانی در ارتباط هستیم و شبکه ارتباطی ما شامل چه کسانی می‌شود. آنها ساعات خواب و بیداری، علایق، اندیشه‌ها، نقاط قوت و ضعف ما و روش تاثیرگذاری بر ما را به خوبی می‌دانند.

چگونه این همه دسترسی را پذیرفتیم؟

یک داستان قدیمی هست که می‌گوید:

روزی موش‌ها با هم نشستند داشتند که باید کاری کنیم که هر وقت گربه، به سمت ما می‌آید، خیردار شویم و یا بدانیم که او کجاست تا بتوانیم با خیال راحت، غذایمان را بخوریم. یکی از موش‌ها پیشنهاد داد زنگوله‌ای به دور گردن گربه ببندازند و همه او را تایید کردند. در آن جمع، موش پیری پرسید: حالا چه کسی قرار است زنگوله را به گردن گربه ببندازد؟ با این سوال، همه موش‌ها ساکت شدند و نتوانستند جوابی بدهند. بعدها در انیمیشن تام و جری، این مسئله، این‌گونه حل شد که دو موش، سعی داشتند

دست می‌آید و می‌توانند تصمیم بگیرند که چه ببینید و چگونه ببینید. می‌توانند کاری کنند چیزهایی را باور کنید که حقیقت ندارند. می‌توانند شما را تشویق به رفتارهایی کنند که زندگی‌تان را نابود می‌کند. هدف بلندمدت حزب کمونیست چین، نابودی قدرت آمریکا و مسیرش با جوانان ما شروع می‌شود. آنها هر آن می‌توانند درخواست کنند که از همه داده‌های تیک تاک برای طراحی یک الگوریتم هوش مصنوعی، استفاده شود که یگانه هدفش، پیشبرد منافع چین و تخریب جامعه ما از درون باشد.

می‌خواهید بدانید چرا دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در این مورد، گرد هم آمده‌اند؟ دلیل آن است که ما بسیار دلوپس هستیم. حال در این متن، به جای چین، آمریکا و به جای آمریکا، ایران قرار دهید و دوباره آن را بخوانید.

آنان می‌دانند ما چه سبک بازی‌ها را بیشتر بازی می‌کنیم و در کدام نوع از آنها، توانمندتر هستیم؛ بازی‌های اکشن، ماجراجویی و یا ایفای نقش و مانند آن. نوع تعامل ما با عناصر بازی، روحیات ما را به نمایش می‌گذارد؛ اینکه خون‌ریز هستیم یا نه؟ افرادی گناه‌رانی کشیم

چندی پیش، گفت‌وگوی نمایندگان مجلس سنا آمریکا با مدیران شبکه اجتماعی تیک تاک، برگزار شد که در واقع، به صورت دادگاه وار، از مدیران تیک تاک، طلب توضیح کردند و این جلسه، از صدا و سیما ماهم با عنوان «استیضاح تیک تاک» پخش شد. بخشی از صحبت‌های یکی از نمایندگان سنا در این جلسه، بسیار جالب بود:

«تیک تاک قادر به جمع‌آوری حجم عظیمی از داده‌های شخصی است. معنایش این است که اگر میلش بکشد، می‌تواند از این داده‌ها، برای تاثیرگذاری بر روایت‌ها و روندها استفاده کند؛ کارزارهای اطلاع‌رسانی نادرستی راه بیندازد؛ رفتارهای خودویرانگر را تشویق کند؛ به طور هدفمند، به کارتل‌های مواد مخدر، اجازه دهد که ارتباط بگیرند و قاچاق انسان و مواد مخدر را سازماندهی کنند. اگر منصف باشیم، همه رسانه‌های اجتماعی، می‌توانند چنین کارهایی بکنند؛ اما تفاوت اینجاست که فقط تیک تاک است که تحت کنترل حزب کمونیست چین است و سایر شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی، این‌گونه نیستند. من می‌خواهم به نوجوانان و سپس اینفلوئنسرهای تیک تاک بگویم که فکر نکنید ما پیر و خرفت شده‌ایم و از سر شکم‌سیری، حرف می‌زنیم و می‌خواهیم اپ محبوبشان را از ایشان بگیریم. شاید الان برایتان مهم نباشد که به داده‌های شما دسترسی دارند؛ اما روزی می‌رسد که برایتان مهم می‌شود و مشکل اصلی، همین جاست. با این داده‌ها، قدرت هم به



رفع شبهه خودِ خدا

سوال:

گاهی وقت‌ها فکرهای عجیبی درباره خدا به ذهن من می‌رسد که حتی می‌ترسم درباره آنها با کسی حرف بزنم. در محله ما، یک دیوانه وجود دارد. مردم می‌گویند او از بس فکرهای عجیب و غریب کرده، دیوانه شده است. من هم می‌ترسم به خاطر فکرهایی که درباره خدا می‌کنم، دیگران فکر کنند دیوانه شده‌ام؛ اما چند وقتی است که خیلی سؤال‌ها درباره خدا دارم. آیا فکر کردن به سؤالاتی که دارم، کار درستی است یا ممکن است باعث دیوانگی من شود؟

پاسخ

دوست خوب من!

خداشناسی، بهترین راه برای آن است که تو بتوانی خودت را پیدا کنی و آینده‌ات را به بهترین شکل بسازی؛ پس اصلاً نگران افکارت نباش و هر سؤالی درباره خدا به ذهنت می‌رسد، از والدین یا از معلمت بپرس. حتی می‌توانی جواب سؤال‌هایت را در کتاب‌ها یا در سایت‌هایی که مخصوص «پاسخ» هستند، پیدا کنی.

خیلی از نویسندگان و دانشمندان دینی ما، شب و روز مطالعه و تلاش می‌کنند تا به سؤالاتی که به ذهن تو و بقیه دوستانت می‌رسد، جواب بدهند. مطمئن باش اگر دنبال جواب سؤالی باشی، حتماً به آن می‌رسی.

با اینکه درباره خداوند، چیزهایی وجود دارد که انسان‌ها هرگز نمی‌توانند آنها را درک کنند، اما در هر صورت، فکر کردن به خدا و سؤال‌هایی که به ذهن تو می‌رسد، نشانه آن است که تو نوجوان باهوش و شایسته‌ای هستی. هیچ وقت فکر کردن، باعث دیوانه شدن نمی‌شود.

فکر کردن، به قدری خوب است که بزرگان دین ما، درباره آن فرموده‌اند:

یک ساعت فکر کردن، از هفتاد سال نماز خواندن و عبادت کردن، بالاتر است. پس اصلاً نگران نباش و با خیال آسوده، سؤال‌هایت را بپرس و مطمئن باش ما به آنها «پاسخ» می‌دهیم.

سؤال:

ما یکتاپرست هستیم؛ اما بعضی وقت‌ها این فکر به ذهنم می‌رسد که اگر هم زمان دو خدا وجود داشت، چه اتفاقی می‌افتاد؟ آیا دو خدا با کمک همدیگر، نمی‌توانستند موجودات بهتری بیافرینند و دنیای زیباتری خلق کنند؟

پاسخ

دوست عزیزم!

این فکر تو، درباره انسان‌ها درست است؛ یعنی اگر دو همکار، به کمک هم، باغچه‌ای را بیل بزنند، قطعاً کارشان زودتر و بهتر انجام می‌شود و یا اگر دو شریک تجاری، برنامه‌ای برای پیشرفت کارشان بریزند، حتماً پول بیشتری به دست می‌آورند. برای همین است که ما انسان‌ها، در کارهایمان، به مشورت و کمک یکدیگر نیاز داریم؛ اما درباره خداوند، این گونه نیست؛ چون اگر دو خدا داشتیم، معنی‌اش این بود که هر کدام از این دو خدا، نقص یا ضعفی دارد که به کمک دیگری نیازمند است؛ در حالی که خداوند، هیچ نقصی ندارد. او کامل است و به دیگران هم کمال می‌بخشد. اصلاً او برای اینکه ما را به رشد و کمال برساند، فرصت زندگی در دنیا را به ما داده است.

اگر دو خدا وجود داشت، به گفته خداوند در قرآن، همه چیز فاسد و نابود می‌شد؛ به خاطر آن که وجود دو خدا، با کامل بودن خداوند، سازگاری ندارد.

از طرف دیگر، اگر دو خدا داشتیم، ممکن بود یک خدا، چیزی را بخواهد و خدای دوم، چیز دیگری را. مثلاً خدای اول، بخواهد هوا بارانی باشد؛ اما خدای دوم، یک روز آفتابی را خواسته باشد. اگر دقت کنی،

حتی روی زمین هم، در هیچ کشور یا سرزمینی، به طور هم‌زمان دو پادشاه وجود نداشته و ندارد؛ به زبیرا اگر دو نفر بخواهند هم‌زمان تصمیم خودشان را بگیرند، همه چیز به هم می‌ریزد و نظم آفرینش از بین می‌رود.

هیچ وقت فکر کردن، باعث دیوانه شدن نمی‌شود. فکر کردن، به قدری خوب است که بزرگان دین ما، درباره آن فرموده‌اند: یک ساعت فکر کردن، از هفتاد سال نماز خواندن و عبادت کردن، بالاتر است. پس اصلاً نگران نباش و با خیال آسوده، سؤال‌هایت را بپرس و مطمئن باش ما به آنها «پاسخ» می‌دهیم

محبوبه زارع



#رفراندم #براندازی؟



ما سه نوع همه‌پرسی داریم؛ همه‌پرسی سیاسی، همه‌پرسی اساسی و همه‌پرسی تقنینی. آنچه بیشتر مطرح است، همه‌پرسی سیاسی است؛ اما کسانی که مطالبه‌گری می‌کنند، دو گونه دیگر آن را هم مطرح می‌کنند.

آنچه برای نظام جمهوری اسلامی ایران مهم است، بحث جمهوریت و اسلامیت است. ماهیت نظام، جمهوری اسلامی است و سلطنتی نیست. حضرت امام (علیه‌السلام)، درباره شکل حکومت فرمود: «جمهوری اسلامی؛ نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد» و این، یعنی نفی رژیم سلطنتی. وقتی قرار شد جمهوری باشد، همان طور که در اصل ششم قانون اساسی هم آمده است، اداره امور نظام، با اتکا به آرای عمومی است؛ چنان که در بند ششم اصل دوم هم به آزادی مسئولانه و باکرامت، با حضور مردم، تصریح شده است.

حاکمیت، سه بُعد دارد؛ تقنین، اجرا و قضا. در هیچ جای دنیا، نظام قضا را انتخاب نمی‌کنند؛ اما در کشورهای زیادی، در اجرا و تقنین، بر اساس انتخابات، به خواست مردم، تمکین می‌کنند. در کشور ما هم بر اساس اصل ۵۸ (انتخاب نمایندگان مجلس) و اصل ۶۰ (انتخاب قوه مجریه)، همین طور است.

سؤالی که در اینجا وجود دارد، این است که آیا روند قانون‌گذاری در قوه مقننه، با نمایندگان مجلس است یا

مردم هم مستقیماً می‌توانند دخالت کنند؟

در نظام‌های دموکراتیک، سه گونه می‌توان برخورد کرد: دموکراسی مستقیم،

دموکراسی غیرمستقیم

و دموکراسی نیمه‌مستقیم.

دموکراسی مستقیم، در حال حاضر در هیچ

کجای دنیا نیست.

نکته‌ای که رهبر معظم انقلاب

فرمود که اداره کشور، با دموکراسی

مستقیم، امکان ندارد، اشاره به

همین است؛ زیرا

مسائل کشور،

خیلی زیاد است. ۸۵

میلیون نفر آدم را بخواهید

هر روز برای مسائل

مختلف بیاورید، کار سختی

است. فراهم کردن یک انتخابات،

پنج شش ماه کار دارد؛ لذا هیچ

کجای دنیا، مداخله مستقیم ندارد.

در تمام کشورهای دنیا، قانون‌گذاری

و اداره کشور، یک امر تخصصی

است. برای انجام کاری در کشور، باید

روال قانونی آن طی گردد و نمی‌شود

با ابراز احساسات این حزب و گروه،

رای‌گیری کنیم و ببینیم کشور به چه

سمتی می‌رود. سیاق کار، این است که اعمال حاکمیت در بُعد تقنین، با

مجلس است که همان مداخله غیرمستقیم است؛ یعنی اعمال

حاکمیت مردم، توسط نمایندگان مردم،

صورت می‌گیرد.

البته قانون، یک راه برای حضور

مستقیم مردم، باز گذاشته است.

آن چیست؟ در مسائل بسیار

مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ممکن

است این اعمال، قوه مقننه، از راه همه‌پرسی و

مراجعه مستقیم به آرای مردم، صورت

بگیرد. این راه، یک راه فرعی

است؛ اما راه اصلی، همان است که اعمال حاکمیت

مردم، توسط نمایندگان آنان صورت بگیرد و دنیا هم به همین

سبک، پیش می‌رود.

حال اگر کسی بخواهد همه‌پرسی انجام دهد، ساز و کار آن چیست و

تشریفات اجرایی آن کدام است؟ طبق اصل ۳۶ قانون اساسی، یا

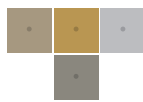
باید رئیس‌جمهور یا ۱۰۰ نفر از نمایندگان مجلس، درخواست

همه‌پرسی بدهند و جالب است

رادیو پاسخ



قانون، یک راه برای حضور مستقیم مردم، باز گذاشته است. آن چیست؟ در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ممکن است این اعمال قوه مقننه، از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم، صورت بگیرد. این راه فرعی است؛ اما راه اصلی، همان است که اعمال حاکمیت مردم، توسط نمایندگان آنان صورت بگیرد و دنیا هم به همین سبک، پیش می‌رود.



که تا کنون، هیچ رئیس‌جمهوری، چنین درخواستی نداشته است.

همان گونه که گفته شد، برخی از کسانی که بحث رفاندوم را مطرح می‌کنند، منظورشان رفاندوم تقنینی نیست و رفاندوم اساسی را مد نظر دارند.

رفاندوم اساسی، شامل سه مورد زیر است:

۱. اصل نظام

۲. قانون اساسی

۳. بازنگری و اصلاحات در آنها

هر سه این موارد را رفاندوم اساسی می‌گویند. یعنی یک بار، رفاندوم درباره اصل نظام را مطرح می‌کنند و می‌گویند ما اصلاً نظام اسلامی نمی‌خواهیم؛ گاهی هم مقصودشان قانون اساسی است و گاهی هم اصلاحاتی در قانون، مد نظر آنهاست.

سؤال این است که در کجای دنیا، اصل نظام خودشان را بعد از اینکه مستقر شد، دوباره به رأی گذاشته‌اند؟ هیچ نظامی، این کار را نمی‌کند که اصل نظام را با دست خودشان، ریشه‌کن کنند. اگر نظام مستقر، اسلامی و مشروع بود، هر گونه تلاش برای براندازی آن نظام، «بغی» است و مجازات بسیار سنگینی دارد و مثل براندازی است. بله، اگر این نظام انحراف و اشکالی پیدا کرد، باید تذکر بدهند و آن را اصلاح کنند.

سید ابراهیم حسینی



شعر پاسخ

حقوق بشر کجاست؟

حقوق بشر کجاست؟
ابوغریب یا گوانتاناما؟
خان طومان یا صنعا؟
ناکازاکی یا هیروشیما؟
شیلی یا کوبا؟

حقوق بشر کجاست؟
شیخ نمر یا کزاکاکی؟
داعش یا طالبان؟
قذافی یا بن سلمان؟

حقوق بشر کجاست؟
یازده سپتامبر؟
یا حادثه منا؟
یا انقلاب مرسی؟
یا کودتای سیسی؟

حقوق بشر کجاست؟
کندن پوست سر سرخ پوستان؟
یا تبعیض نژادی سیاه پوستان؟
یا جوخه های اعدام ویتنام؟

حقوق بشر کجاست؟
آمریکا یعنی مذاکره با ماسک شیمیایی
آمریکا یعنی خش خش صدای پدر
یعنی سردشت
یعنی زخم بستر
یعنی ویلچر یک جانباز
یعنی قطعه شهید در بهشت زهرا
یعنی پیدا کردن یک پلاک
یعنی برگشتن ۱۷۵ شهید غواص

یعنی ۲۸ مرداد

یعنی ۱۵ خرداد

یعنی آژانس

یعنی کاپیتان لاسیون

یعنی نوزه

آمریکا یعنی مذاکره با ماسک شیمیایی
آمریکا یعنی خش خش صدای پدر

سعید علیزاده

ویکی پاسخ

قیام عاشورا، حرکتی الهی یا دموکراتیک؟

سؤال:

آیا قیام امام حسین علیه السلام، یک حرکت دموکراتیک بود؟ یعنی آیا چنین بود که چون اهل کوفه، به وی نامه داده بودند و امام برای اجرای دموکراسی، به طرف کوفه حرکت کردند؟

پاسخ:

قیام عاشورا را حرکتی الهی برای مبارزه با یک جریان انحرافی در درون جامعه اسلامی دانسته اند. امر به معروف، نهی از منکر، احقاق حق و مبارزه با باطل، از ارکان این قیام معرفی شده است. نامه مردم کوفه، درخواست از امام حسین علیه السلام برای رهبری و تشکیل حکومت بود که سبب شد امام، از مکه به سمت کوفه حرکت کند و در پایان هم با عدم همراهی مردم کوفه، امام به شهادت رسید.

فلسفه قیام امام حسین علیه السلام

بعد از بررسی دلایل قیام امام حسین علیه السلام، این حقیقت، آشکار خواهد شد که انگیزه اصلی قیام عاشورا، مبارزه با یک جریان انحرافی بود که در درون جامعه مسلمانان، پدید آمده بود؛ جریانی که اساس دین را هدف قرار داده، به تدریج، جامعه مسلمانان را از حاکمیت احکام الهی و شریعت آسمانی، تهی ساخته بود.

قیام و حرکت امام حسین علیه السلام، در زمان حکومت معاویه انجام نشد و یکی از دلایل این مسئله را باید در تفاوت حکومت یزید با معاویه جست وجو کرد. تا زمانی که معاویه در رأس حکومت قرار داشت، سعی می کرد از رویارویی مستقیم با شریعت الهی و احکام اسلام بپرهیزد؛ اما برخلاف وی، پسرش یزید، از تجاهر به فسق و مخالفت علنی با احکام اسلام، ابایی نداشت. وی منصب خلافت مسلمانان را به ابزاری برای نابودی اساس دین، به کار گرفته بود. وقتی مأمور یزید، از امام حسین علیه السلام خواست با یزید بیعت کند، امام فرمود: چگونه با فردی فاسق و شارب الخمر که آشکارا تظاهر به فسق می کند، بیعت کنم؟^۱

فلسفه قیام امام، امر به معروف و نهی از منکر بود. هنگامی که امام از مدینه خارج می شد، خطاب به برادرش محمد بن حنفیه فرمود: «اینک من از مدینه خارج می شوم، نه برای ریاست و حکومت و رسیدن به جاه و مقام؛ بلکه برای امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امت جدم رسول خدا».^۲

اساس حرکت امام، قیام در راه احقاق حق و مبارزه با باطل بود؛ لذا فرمود: «آیا نمی بینید که به حق، عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی گردد؟ پس جا دارد در چنین شرایطی، انسان مؤمن، تن به شهادت دهد». ایشان همچنین در نامه ای که به بزرگان بصره نوشت، انگیزه قیام خود را دعوت مردم به کتاب خدا و سنت رسول او در زمانی که سنت پیامبر از بین رفته و بدعت ها فزونی یافته، ذکر نمود.^۳

خواست مردم در قیام عاشورا

از نکات قابل توجه در قیام امام و به طور کلی، موضوع

شبهات

ماهانامه ویژه پوشش مطالباتی
دانش جوان و طلاب جوان
شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۲۲۲۱

کانال اینستاگرام: @shobahat_mag
سایت: www.Shobhe.pasokh.org

pasokh.org | spasokh.com
wikipasokh.com
pasokh.tv | shobhepajouhi.ir



شبهات
ماهانامه ویژه پوشش مطالباتی
دانش جوان و طلاب جوان
شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۲۲۲۱

شماره چهاردهم / مرداد ۱۴۰۲

